

یادآوری

این رساله بمناسبت روز موزیم ها (18 می 2008) به خوانندگان و
علاقمندان تاریخ و باستان شناسی تقدیم میگردد.

بنیاد فرهنگی کهزاد
داکتر فریار کهزاد

بنیاد فرهنگی کهزاد

حفریات جدید در افغانستان

خلص اجراءات هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان

از سپتامبر 1936 تا اگست 1937
(1316)

نگارش
جوزف هاکن فرانسوی

مترجم
احمد علی کهزاد

1316

حفریات جدید در افغانستان

خلص اجراءات هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان

از سپتامبر 1936 تا آگست 1937⁽¹⁾
(1316)

مترجم: احمد علی کهزاد

نگارش: جوزف هاکن فرانسوی

1

اعضای هیئت اعزامی حفریات فرانسه در افغانستان از ماه سپتامبر 1936 تا آگست 1937 تحت مراقبت وزارت معارف افغانستان یک سلسله تجسساتی را در نقاط مختلفی که فواصل آن گاه گاه از هم خیلی زیاد بود، انجام داده اند. در خزان سال 1936 (از سپتامبر تا دسامبر) هیئت در منطقه چخانسور که حصه افغانی سیستان قدیم را تشکیل میدهد و بفاصله 1300 کیلومتر بجنوب غرب کابل افتاده بر علاوه گردش های مفصل مقدماتی، در چندین نقط مختلف حفریات هم نمود تا راجع به شهر «زرنج» (ناد علی فعلی) که در چند صد متری سرحد ایرانی افتاده، تحقیقاتی بعمل آرد. در این اثنا سائر اعضای هیئت: مدام هاکن، موسیو کرل، و موسیو مونیه تحت هدایت من در مناطق دشتی که بشمال رود هلمند منبسط است، در حوالی خرابه های شهر «ساروتار-Sar-o-tar» مشغول کشفیات و معاینه اراضی بودند. چون بعضی آثار عتیقه بودائی در قندوز⁽²⁾ یعنی در قلمرو بکتریان قدیم تازه پیدا شده بود، در ماه جنوری 1937 بغرض مطالعه آثار مکشوفه آنجا مسافرتی بطرف شمال افغانستان نمودیم.

بخاطریکه اسناد ما راجع به تحقیقاتی که در سیستان بعمل آمده هنوز کاملاً مرتب نشده عجالتاً از آن گذشته بصورت خیلی مختصر نتایج حفریاتی را شرح میدهم که از اول بهار تا تابستان (از ماه اپریل تا آگست) در کاپیسی قدیم، بگرام امروزی، تقریباً در 60 کیلومتری شمال کابل بعمل آمده است.

این جلگه وسیع مرسوبی که قرار محاوره بومیان بنام «دشت بگرام» یاد میشود، در 1838 توجه سیاح انگلیس، «مسن»، را بخود جلب نمود و وی بر علاوه اینکه کولکسیون خوبی از مسکوکات شاهان «هند و یونان» و «هند و سیت» فراهم نمود، بعضی استوپه ها را نیز معاینه کرد.⁽³⁾ موسیو

«فوشه» در ضمن تعیین خط سیر «هیوان تسنگ» در افغانستان یک حصه مطالعات خود را در اینجا هم ضمیمه نموده است⁽⁴⁾ و در نتیجه راجع به موقعیت چند جای قدیم نظریات مفیدی پیش کرد. هکذا موسیو «برتو» هم در 1925 بعضی کاوش‌هایی در شهر جدید شاهی و حفریاتی در «دامنه غربی کوه بچه» شرق بگرام انجام داد. سپس پلان تجسّسات اصولی در 1935 ترتیب داده شده و به صحنه «کمیسون پژوهشات باستان‌شناسی در افغانستان» که مقر آن در وزارت تربیه ملی فرانسه است، رسید. برای تعمیم این پلان در بهار 1936 شروع به اقدامات شده بار اول موسیو «کرل» و موسیو «مونیه» حفریات را در اوایل 1936 در خرابه‌های «شهر جدید شاهی» شروع نموده و حین کاوش شمالاً و جنوباً کناره‌های گودالی را تعقیب نمودند که روی خرابه‌های شهر عرضاً افتاده است. در نتیجه از این محل یک مقدار زیاد ظروف سفالی مخصوص و لوازم احتیاجات خانگی کشف شد. این ظروف که تزئینات آن برجسته و با مهر یا تاپه بعمل آمده به اوایل عصر استقرار کوشانی‌ها یعنی قرن اول و دوم مسیحی نسبت داده میشود.

در 1937 دوباره تجسّسات تحت مراقبت خودم شروع شده موسیو «کرل» بتاريخ 16 اپریل در همان جایی که سال گذشته حفریات نموده بود، شروع بکار کرد. بفاصله دوصد متری شرق اینجا محل دیگری به مدام «ژ. ر. هاکن» سپرده شد و موسیو «مونیه» را مامور نمودم تا در خرابه‌های یک معبد بودائی که در 5 کیلومتری شرق - شمال شرق «شهر جدید شاهی» افتاده عملیات حفریات را تعقیب کند.

حفرگاه اول بگرام:

در اثر خالی کردن منازل دکانهای که در کنار کوچه بزرگ شهر واقع اند، مجدداً یک عده ظروف سفالی پیدا شد که مانند ظروف مکشوفه سال گذشته با تاپه تزئینات دارد و مربوط به عصر کوشانی میباشد و وقتیکه حفریات دکانها در هر دو رسته کوچه بزرگ تمام شد، فوراً موسیو «کرل» در آخر ماه می عازم دره «فندقستان» شد. این دره تقریباً در وسط راه بین کابل و بامیان واقع و موسیو «کرل» در آنجا حفریات را در خرابه‌های معبدی شروع نموده در نتیجه آثار خیلی مهم بدست آورد.

حفرگاه دوم بگرام:

سرپرستی آن به آقای احمد علی خان کهزاد و آقای محمد اسلم خان و مدام «هاکن»، سپرده شده بود. 9 اطاق بزرگ کشف شد. دیوارهای این اطاق‌ها ضخیم و در ساختمان آنها مواظبت خوبی بکار رفته بود طوریکه روی هم‌رفته دیوار از پارچه‌های کوچک تشکیل و حد بحد یک سنگ بزرگ گذاشته شده بود. اطاق نمبر 10 این محل نسبت به سایر اطاق‌ها وسیعتر و دورادور آن بمواظبت دیوار شده بود. اولین اشیای مکشوفه این اطاق بعد از کشیدن خاک‌ها از عمق 2.60 متر پیدا شد. تمام قسمت شمالی اطاق از ظروف شیشه نازک، ظروف سنگ رخام و اشیای مفرغ پر بود. گیلّاس‌هاییکه به تعداد زیاد از اینجا کشف شده خواص کارخانه‌های شیشه‌سازی سواحل شام را ارائه میکند (از قرن اول تا اوایل قرن 4 مسیحی). بعضی گیلّاس‌های منقوش با وجود مرور زمانه مدید به منتهای خوبی محافظت شده و در اکثر آن مواد شیشه‌ئی شفافی که جلای خود را بصورت حیرت‌آوری نگاه کرده است، دیده میشود. تزئینات منقوش روی صفحه شیشه‌ئی گیلّاس‌ها قشر ملون خیلی لطیفی تشکیل داده که بصورت بسیار نازک برجسته معلوم میشود. رنگهای تیز آنها که با ناخن مخطط نمیشود مانند الوان میناتوری درخشان معلوم میشود. روی یک جام بزرگ شیشه‌ئی دو صحنه‌ئی معلوم میشود که در آن دو مرد برای دو زن میوه می‌آورند. نباتات را در

این صحنه بواسطه یک درخت خرما و لکه های سبز روشن نمایش داده اند. چند سطر بالا راجع به تیزی الوان اشاره نمودیم هکذا قابلیت نقاش آن هم قابل ملاحظه است. اثر دست رسام در مقابل کار رنگ دهنده آن خوب معلوم نمیشود زیرا اخیر الذکر با خامه خفیف و سبک رنگ پُری خود آنرا مخفی ساخته. در قسمت های روشن تر بدن خط خفیف سفید که عموماً کج و معوج است، معلوم میشود. روی یک پارچه کوچک ظرف شیشه ئی دیگر صحنه مقابله دو نفر پهلوان عصر رومن که آنرا «گالیدیاتور Gladiator» می‌گفتند، معلوم میشود. یکی از جنگجویان بسبک «تراس» یکنوع گیتس آهنی پای پیچ زرد دارد و سپر مربع کوچک موسوم به «پارما Parma» در دست گرفته. حریش مانند «گالیدیاتور» پهلوانان عصر رومن در یک پا پایچ دارد و ران هایش برهنه میباشد. پارچه های دیگر صحنه های مقابله بین سوار و پیاده را نشان میدهد. دیگر مظاهر تخنیک شیشه هم در ظروف مکشوفه اینجا ملاحظه میشود. در بعضی ظروف تزئینات برجسته را علیحده ساخته و بعد به ظرف چسپانیده اند و در بعضی هائی دیگر جزئیات خیلی باریک و لطیف را بواسطه پارچه های کوچک شیشه به تنه ظرف چسپانیده اند. در یک ظرفی که به این تخنیک ساخته شده شخصی فراز برجی دیده میشود که تجماً عبارت از «پوزئی دون Poseidon» (رب النوع ابهار) میباشد و حتی با «پوزئی دون» ی که بالای یک قاب «کوبرن» کنار رود «موزل» است، شباهت دارد.

گیلاس های شیشه الماس تراش و شیشه کوچک و یا پارچه های ظروف ماهی شکل و بوتل و یا جامی که دورادور آن تار شیشه ئی افقی دویده و حد بحد با پارچه های مارپیچ عمودی به تنه ظرف محکم شده و غیره اقسام و مظاهر تخنیک شیشه در میان این ظروف مشاهده میشود. در میان ظروف مفرغ که تعداد آن روی همرفته به 50 میرسد، سنگ ترازو و یک نوع ظرفی که بشکل شاخ است و آن را «ریتون» گویند، بشقاب های چقر کاسه نما و غیره اشیا بدست آمده و مهمترین همه یکنوع سپری است که از دو قطعه مفرغ تشکیل شده که اصلاً روی یکدیگر قرار می‌گرفت. قطعه مفرغ فوقانی از حیث اندازه نسبت به قطعه تحتانی کوچکتر و تزئینات آن چیزی در خود قطعه مذکور و چیزی هم علیحده در آن افزود شده است. تصویر مرکزی قطعه فوقانی سپر با وجود زنگ زدگی صورت «میدوز Méduse»⁽⁵⁾ را نشان میدهد. بالهای متحرکی که بر سرش سایه افکنده علیحده ساخته و نصب شده است. به دو طرفه سر به ارتفاع خط چشم ها چهار مار خود را منبسط کرده اند و از پیچ خوردگی آنها هم گرهی تحت زنج او معلوم میشود. بدورادور صورت «میدوز» اشکال ماهی هائی معلوم میشود که دم های آنها متحرک است. عواملی را که علیحده ساخته شده و باز در ماهی ها نصب گردیده حلقه های کوچکی محکم گرفته که مجموعه آن طرف چپه قطعه فلز فوقانی سپر را مزین نموده است. در هر حلقه زنگوله مدوری آویزان است که وجود آنها حرکت عوامل متحرک را آسان میسازد. ناگفته نماند که بالای یک آئینه عصر «اتروسک Etrusque» که در اطاق مدال های کتابخانه فرانسه تحت نمره 1345 قید شده تصویر روبروی «گورکن» طوری نمایش یافته که دوار دور آن را امواج مناظر آب گرفته و در میان آن 6 «ماهی دوفن» که کله آن بزرگ میباشد، شنا میکند.

ظروف سنگ رخام مکشوفه بگرام عبارت از یک شیردانی دسته دار و یک گلدان دو دسته ئی و یک قالب دسته دار میباشد.

اشیائی که در قسمت جنوبی اطاق کشف شده به استثنای چند ظرف شیشه ئی همه صندوقچه های جواهرات بود که اصلاً از صفحات نازک چوب ساخته شده و روی آن قطعات مزین و منبسط عاج

و استخوان را نصب نموده بودند. چوب صندوقچه ها بغیر از بعضی جاها باقی بشلل گرد
 نصورای رنگی تحویل یافته بود و از ین جهت در اکثر موارد حصص مختلف صندوقچه ها از هم
 جدا و متلاشی شده بود. در بعضی جاها بین صفحات چوب و صفحات مزین عاج و استخوان ورقه
 ابرک هم دیده میشود. این قسمت اشیای مکشوفه ما چیزهای بی سابقه ایست که از هند مرکزی یا
 «ماتورا Mathura» به اینجا آورده شده است. راجع به فعالیت کار خانه ها و کارگران عاج هند
 معلومات ما خیلی محدود است. فقط اینقدر میدانیم که کارخانه «ویداسا Vidasa» یا «بیلسا Bihlsa»
 «حالیه در ایالت گوالیار سنگی را که یکی از کارکنان آن تراشیده بود، به معبد «شانسی Sanchi»
 «⁽⁶⁾ تقدیم نمود. چنانچه امروز کنار دروازه جنوبی استوپه بزرگ آنجا را مزین نموده است. (وسط
 قرن دوم ق.م.)

در حالیکه از خود هند از آثار کارخانه های فوق الذکر تا امروز چیزی بدست نیامده، از بگرام
 صدها قطعات و لوايح عاجی و استخوانی کشف شد. این قطعات به انواع مختلف کار شده. در
 بعضی فقط نقوش کنده شده، در بعضی های دیگر موضوع حک شده و چون قسمت هائیکه خارج
 موضوع است دست نخورده. تزئینات بصورت خفیف شکل برجسته بخود گرفته است. در بعضی
 مواد دیگر موضوع مطلوب تراش و باقی حصص متن خالی کرده شده و قطعه عاج شکل مشبکی
 بخود اختیار نموده. روی همرفته تمام این سبک و شیوه ها واجد روح صنعتی خیلی لطیفی است
 که با مزایای خود مظاهر حقیقی هیكل تراشی را نشان داده و تمام پهلوها و محاسن قالب گیری در
 آن گنجانیده شده است. خطوط خارجی همه جا در تمام موارد با یک خط درشت و صحیح کنده شده
 است. تزئینات بعضی قطعات حفرگاه نمره 2 بگرام مثل برگ های «لوتوس Lotus»، پرنده ها،
 حیوانات خارق العاده بالدار با تزئینات «شانسی» شباهت بهم میرساند. تزئینات سر دروازه شرقی
 استوپه بزرگ «شانسی» که عبارت از برگ های «لوتوس» با ساقه های طویل منظم میباشد، با
 لوايحی که از محل حفریات نمره 2 بگرام یافت شده خیلی شبیهه است و برای مقایسه نقطه مهمی
 بدست میدهد. ناگفته نماند که لوايح بگرام تقلید کورکورانه عوامل «شانسی» نیست بلکه آزادانه
 مفکوره آنرا ارائه میکند. علاوه برین تصویر «لیوگریف - شیر» واضحاً به آثار هم جنس خود که
 در شانسی نمایش یافته شبیه است. (اطاق فوقانی صفحه خارجی دروازه غربی استوپه بزرگ و
 نقوش برجسته پایه همین دروازه)

در صندوقچه های بگرام اشکال حیوانات بالدار بکثرت نمایش یافته است. این اشکال نفوذ هنری
 مملکت دور دست بین النهرین را ارائه میکند که با جزئیات تزئیناتی صاف هندی ضم شده است.
 مرغ آبی و قاز با اشکال مختلفه خود مثل مرغ آبی های کوچکی که قطار پشت هم قرار گرفته اند
 موضوع تزئیناتی قشنگی تشکیل میدهد. میشود گردن خمیده سربلند و سائر اختصاصات وضعیت
 آنها را با قطار قاز هائی مقایسه کرد که در حاشیه ظرف مقدس کنیشکا نقش میباشد. اشکال زن ها
 با بدن های چاق و صورت های گوشتی خیلی با سبک کار مجسمه های مکتب «ماتورا» عصر
 کوشانی (قرن اول و دوم مسیحی) شباهت دارد. بعضی لوايح عاجی یا استخوانی دیگری که
 تزئینات آنها به اصول مشبک است و موضوع های منقوشه بصورت خفیف برجستگی دارد هم
 بهمین عصر اطلاق شده میتواند. از صحنه دیگری که یک شخص در مرکز قرار گرفته دو
 حیوان عجیب الخلقه را خفه میکند چندین نمونه جداگانه پیدا شده که با الهام صنعت قدیم
 «سومر Sumar» اسباب مقایسه بدست میدهد. حیواناتی که حصه اخیر بدن آنها به دم ماهی تمام
 میشود و با دم های متناظر در عصر کوشان در «ماتورا Mathura» معروف بود، هم بالای
 صندوقچه های مکشوفه بگرام دیده میشود. در اینجا آنچه قابل مقایسه بین اساطیر «ماتورا»،

«سرنات» و «بگرام» میباشد این است که در نقطهٔ اخیر الذکر دم های متناظر آنها را حیوانات عجیب الخلقه بحری خورده است و «ماکارا Makara» (حیوانات عجیب بحری) دارای دم های برخاسته میباشد. بزرگترین مظهر قابلیت صنعت عاج در قسمت هائی معلوم میشود که موضوع نمایش آن زن هائی است که مصروف آرایش خود میباشد. بدن ها بکمال لطافت تجسم یافته و وضعیت بیقیدانه و آزاد آنها خطوط خمیدهٔ زیبای سرین ها را مضاعف ساخته است و خطوط خارجی چون مهارت کارانه رسم شده بر لطافت کیفیت فوق افزوده است. خلاصه تمام زیبایی صنعت قرن 3 «گوپتا Gupta» در نمایش دادن این صحنه ها که حاشیهٔ قشنگی از تزئینات گل ها دارد گنجانیده و تصویر شده است. گل های حاشیه که بذات خود موضوع خیلی دلچسپی است از دهن آدمی برآمده که به نیم رخ راست نمایش و گردن او امتداد یافته به سر اسپ منتهی میشود و پائین تر با سر مرغابی نمودار است. این موضوع حتماً حصهٔ مجموعهٔ عجیبی است که در کنج فوقانی راست صحنه نمایش یافته و گمان نمیرود که نواقصی داشته باشد. بر علاوه در گل های حاشیه جزئیات دلچسپ دیگر هم موجود است. در آخر اولین گلی که بطرف راست خم و پیچ خورده میرود، برگ «لوتوسی» قرار گرفته که از آن دو گل و یک شاخه راست با سه برگ دیگر جهیده است. گل مابعد بر عکس بطرف چپ خم و پیچ گرفته است. نا گفته نماند که یکی از عواملی که ساقه گل ها را تشکیل میدهد بدور ساقهٔ عمومی مشترک گل اول و دوم پیچ میخورد. گل دوم دارای چوچهٔ مرغابی است که بطرف راست به پرواز میباشد. منظره خیلی مخصوص این گل ها قابل ملاحظه است زیرا فراموش نباید کرد که این سبک تزئینات در صنعت غربی هم مدخلیت دارد. یکی از قطعات شیشه ئی که «اسکوروس Scaurus» روی دیوار های تیاتر در 58 ق.م. «روما» گذاشته این رویه را ارائه میکند. هکذا اصل و مبدأ این عوامل مرکبه را که اشکال انسانی (سر حیوانات) و بدن های پرندگان را بهم یکجا کرده و آنرا «گریل Grylles» مینامند، میتوان خارج از هند در صنعت یونانی آسیای صغیر هم سراغ کرد چنانچه در سنگ های منقوشی که بتازگی موسیو «زیکان Zykan» شایع نموده و اصل آن در یک اثر جرمنی موسوم به «سنگ های منقوش قدیم و حاضر» لوحهٔ 83 شایع شده است، عوامل مقایسهٔ خیلی زیاد است که روی همرفته گلهای که از آن صحبت کردیم و در تزئینات حواشی قطعات عاج بگرام استعمال شده مراتب و شکل اخیر آنرا نشان میدهد.

در تزئین این صندوقچه ها عوامل دیگری که عبارت از اشکال حیوانات باشد نیز بکار رفته و استاد بکمال خوبی از عهده انجام آن برآمده است.

معبد پوزه شترک:

در دوردور «کوه پهلوان» که مجزا و علیحده بطرف شرق بگرام افتاده یک عده بناهای مذهبی آباد بود که بعضی ها در پوزه های کوه و بعضی هائی دیگر در پای آن روی پیش برآمدگی های سنگی فراز رودخانه پنجشیر معمور بود چنانچه معبدیکه بشمال کوه پهلوان تحت هدایات من موسیو «مونیه» حفریات نمود⁽⁶⁾ هم حایز چنین موقعیتی بود. چون این بنای مذهبی در مرور زمانه پیهم چند مرتبه مرمت کاری و وسعت داده شده اصل شکل پلان اولیه آن مغشوش گردیده. قدیمی ترین قسمت آن اگر چه آنها بذات خود دست خورده، عبارت از محوطهٔ مربعی بود که در وسط آن در میان حویلی استوپه بزرگی داشت و این حویلی از طرف شرق به حیاط دیگر مربوط بود و ملحقات آن عموماً بطرف جنوب و جنوب غرب معلوم میشود. استوپهٔ بزرگ با مجسمه ها و صحنه های دیگر مزین شده بود. چنین معلوم میشود که صنعتگران در خود این محل به تراش

مجسمه‌ها در سنگ سلیت میپرداختند و آثار در خود اینجا ساخته شده باشد چنانچه وجود یک افزار هیکل تراشی و یک صحنه نیم‌کاره این نظریه را تقویت میکند.

علاوه بر اشیای سلیتی، آثار دیگری که در گل و چونه قالب گرفته شده هم بدست آمده است. از میان آثار قدیم چند پارچه حین حفريات هنوز بجای خود در دیوارهای بنا باقی و برقرار بود. از آنجمله پارچه‌ای که خیلی دلچسپ است صحنه‌ئی را نشان میدهد که راهبین و مریدان آنها و ارباب النوع «دواتا» بودا را تمجید و احترام میکنند. امکان دارد راهبین سه برادر «کاسیایا Kasyapa» و سه نفر مریدان ایشان بوده باشند. در روی همین صحنه یک جوره اعانه دهندگانی هم معلوم میشوند که لباس مرد آن عبارت از البسه ایست که معمولاً در عصر کوشان پوشیده میشد. برعلاوه موسیو «مونیه» پارچه‌ی لوحه‌ئی را یافته است که روی آن اعانه دهنده‌ئی بلباس قدیم هم معلوم میشود.

تعداد مجسمه‌ها و صحنه‌های سنگی‌ئی که از اینجا کشف شده خیلی زیاد است. بسیاری صحنه‌ها از نقطه نظر تصورات مذهبی بودائی خیلی اهمیت زیاد دارد. منجمله باید متذکر شد که در یک صحنه شخص مرکزی که عبارت از «میترا» باشد چهار زانو تحت کمان طاقی قرار گرفته و دو شخص کوچک در حالیکه به مناصفه بدن نمایش یافته اند، از تحت پایه‌های کمان مذکور او را احترام میکنند. دو شاهزاده یا «بودیس اتوا» دیگر بدو طرفه کمان دیده میشوند. در منتها الیه طرفین صحنه «دوراپالا» یا جنگ حیوانات نمایش یافته اند. اگر این پارچه با صحنه چینائی که کار عصر «وی Wei» (حوالی قرن 5 م.) میباشد، مقایسه شود فوراً معلوم میشود که تا کدام اندازه هنر بودائی چین در عصر «وی» تحت نفوذ موضوع‌های مذهبی هنر «گریکوبودیک» آمده بود. در یک لوحه قبل از ملاقات طالب العلم جوان برهمنی با بودا «ویپان کارا» چندین صحنه دیگر مربوط افسانه آنها نمایش یافته است. هیکل چهارشانه «ویپان کارا» با دست‌های بزرگ برای اثبات تنزل هنری بعضی آثار گریکوبودیک تمثال خوبی فراهم نموده و ضمناً ارائه میکند که این اثر چقدر با نزاکت و لطافت مجسمه‌ها و تصاویر مکتب «ایران و هند» قرن 5 و 6 مغایرت دارد.

فندقستان، سیاه‌گرد غوربند:

کشفیات اتفاقی چند پارچه مجسمه‌گک‌های بودائی در «فندقستان»⁽⁷⁾ که به 4 کیلومتری «سیاه‌گرد» و تقریباً در وسط راه کابل و بامیان واقع است و در باب آن مقاله‌ئی در مجله «صنایع آسیائی» شایع نموده ام⁽⁸⁾، مرا تحریک نمود تا در 1936 برای معاینه محل و تدقیق موقعیت آن بروم. چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد، عریضه‌ئی مبنی به درخواست اجازه حفريات به وزارت معارف افغانستان تقدیم نموده و در نتیجه یکی از همکاران خود، موسیو «کرل» را مامور نمودم که بعد از ختم کارهای مربوطه بگرام، حفريات را در فندقستان شروع کند. چنانچه این منظور در ماه می 1937 عملی شد و موسیو «کرل» حفريات را در خرابه‌های یک بنای مذهبی بودائی شروع کرد که بالای تپه‌ی خاکی فراز دره کوچک «فندقستان» آباد شده بود. موسیو «کرل»⁽⁹⁾ حین حفريات خود از آخر ماه می تا اگست 1937 عموماً در تخلیه معبدی کار کرده که اطاق آن بزرگ و مربع و سقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن اطاق هائی را مسدود نموده بود که عمقاً در دیوارها کنده شده بود. در وسط اطاق معبد «استوپه» ئی بشکل و نمونه کلاسیک وجود داشت. حصص مقابل طاق‌ها با اشکال گل‌های مارپیچی مزین شده بود که بشکل کمان‌های ساده روی پایه‌ها قرار داشت. روی دیوارهای اطاق و ته آن و منطقه بین پایه‌ها و مدخل آنرا

تصاویر دیواری مزین نموده بود. موسیو «کرل» پیش از همه شروع به برداشتن یکی از تصاویری نموده که «میترا» حامل بوتل کوچک را با برگ های آبی «لوتوس» نشان میدهد. اگرچه جنبه نزاکت این اثر کمی محدود است اما از نقطه نظر تشابه که با هنر بودائی قرن 5 و 6 هند بهم میرساند، قابل ملاحظه است زیرا میتوان آنرا سرچشمه الهامات هنر بودائی تبت خواند. در سایر تصاویر رنگه «فندقستان» واضحاً علایم نفوذ ایرانی نمودار است و این محل یکی از پله های نردبانی است که این نفوذ را بطرف آسیای مرکزی پیش میبرد. رب النوع مهتاب و آفتاب جنبه ماورای هندی صنعت فندقستان را ارائه میکند. رب النوع مهتاب که گرد صورت رنگ پریده خود هاله نور دارد، تاجی پوشیده که از اشکال سه ماه نو تشکیل شده که در نوک های هر کدام آن گل ها میباشند. در گوش هایش گوشواره های مدور بزرگی است که در آن مروارید کار شده است. بجانش چین چپه گردن دار و به پاهایش موزه های پوستی (پلنگ ها) است. اسلحه اش عبارت از یک سپر کوچک مدور و یک شمشیر عریض دسته طویلی است که از قبضه آن گرفته است⁽¹⁰⁾. گرداگرد صورت خراب شده رب النوع آفتاب، هاله نور از قرص سرخی تشکیل شده. لباس او عبارت از جوشنی است که از قطعات فلزی تشکیل گردیده و از کمر بند پایان دنباله آن بشکل حلقه های مشبک نازک معلوم میشود. هکذا حصه تحتانی لباسی که بصورت پیش دامن مدوری⁽¹¹⁾ تمام میشود، ران های او را پوشانیده است. در پاهایش موزه و اسلحه اش بعلاوه چماق، شمشیری است با دسته دراز و غلاف مزین و دست چپ خود را روی آن گذاشته است.

این دو ارباب النوع در جدار اطراف راست (نسبت به رب النوع ته اطاق) اطاق K تصویر شده اند.

تزئینات داخلی اطاق ها چنین وانمود میکند که قرار پروگرام واحدی بعمل آمده باشند زیرا تصاویر رنگه و آثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته که جدائی بین آنها حس نمیشود و علت آن این است که میان این دو سبک تزئینات عواملی قرار داده اند که با آهنگ مخصوصی تصاویر رنگه و آثار برجسته را همونوا ساخته است چنانچه اینجا و آنجا اگر روی دیوارها ارباب النوع فرعی نیم تنه و با سینه های برجسته نمایش یافته و از زمین هیکل های نیم تنه شاهان «ماران آبی» (ناگاها Nagaha) سر بلند کرده است، «طاق D» طرف دیگر اشکال حجاری شده به اندازه برجستگی خفیفی دارد که از تصاویر رنگه روی دیوارها چندان فرق نمیشود. هیکل یک «بودیس اتوا» که مانند شهزاده بیقید و آزاد نشسته به بعضی «بودیس اتوا» های مقام «تین - لونگ - شان Tien - Long - Chan» چین شباهت زیاد دارد. روی جدار اطراف راست «طاق C» زنی دراز کشیده و پهلوی او پرده مثلث نما از زبانه و شعله های آتش معلوم میشود. این زن بلاشبهه مادر بچه ایست موسوم به «یوتیسکا Jyotiska» که قرار افسانه های بودائی، بودا او را از شعله های مذکور نجات داده است⁽¹²⁾ در ته «طاق E» یک جوره اشخاص غیر روحانی معلوم میشود. یکی آن شهزاده ایست که صورت نشستن او بوضعیت شاه یا شهزاده شبیه است که روی یکی از زیورات عصر ساسانی ترسیم میباشد و پروفیسور «سار Sarre» آنرا شایع کرده است⁽¹³⁾. شهزاده آرنج خود را روی یکعده زیرگوشی ها تکیه داده است. البته شهزاده فندقستان لباسهای مروج آسیای مرکزی و ایران را بخاطر می آرد.

یادداشت ها:

- 1- راپور مفصلی که در این موضوع تهیه میشود در جلد 9 خاطرات هیئت باستانشناسی فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.
- 2- رسالهٔ صنعت بودائی بکتریان و مبدأ صنعت گریکوبودیک تالیف جوزف هاکن و ترجمه احمد علی کهزاد تحت عنوان «صنعت باختر»، چاپ مطبوعه عمومی، کابل ملاحظه شود.
- 3- Journal, Asiatic Society of Bengal سال 1834 و 1835 صفحه 36-41.
- 4- مطالعات آسیائی- در موقع بیست و پنجمین سالگره مکتب فرانسوی شرق اقصی، صفحات 266 – 273.
- 5- در افسانه های یونانی مجموع سه خواهر عجیب الخلقه را که بنام های «میدوز Méduse»، «یوریال Euryale» و «سته نو Stheno» موسوم بودند «گورکن» میخواندند. این سه خواهر مخصوصاً میدوز دارای قوای روحی عجیبی بود که هر چیزی را به یک نگاه به سنگ تبدیل مینمود. در روی سپر ها تصویر او را معمولاً برای ترسانیدن دشمن ترسیم مینمودند. (مترجم)
- 6- راپور مفصل موسیو «ژاک مونیه» در جلد دهم سلسله خاطرات هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد.
- 7- چون در ماه اکتوبر 1937 وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس «مسن» که اسناد او همیشه بما کمک زیاد کرده است در 1836 فندقستان را یاد کرده و در باب آن مینویسد:
«فندقستان در منطقه غوربند در غرب سلسلهٔ بزرگ کوهی واقع است که از هندوکش به قفقاز میرود و حد غربی کوهدامن را تشکیل میدهد. چه در خود درهٔ غوربند و چه در دره های کوچک ملحقهٔ آن مخصوصاً در یکی آنها موسوم به فندقستان آثار تاریخی قدیمی زیاد است لهذا با دلیل گفته میتوانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی برجستگی های مهمی در آنجا وجود دارد لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته ایم راجع به چگونگی آن حدس و فرضیات احراز میکنم». V.J. R. A. S. B. (1836) صفحه 6؟
- 8- مجله صنایع آسیائی جلد دهم شکل 3 صفحه 130-131 مقاله موسیو هاکن راجع به چند مجسمه گک های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود.
- 9- موسیو «ژاک مونیه» بعد از اختتام حفریات خود در شترک بگرام، آخر جون 1937 به فندقستان رفته و با موسیو «کرل» ملحق شد. راپور مفصل حفریات فندقستان در جلد 11 خاطرات هیئت باستان شناسی فرانسه در افغانستان شایع خواهد شد.
- 10- کتاب «البسه و اسلحه ایرانی» پالمر، شام تالیف موسیو «سرویگ H. Servig» صفحه 28، لوحهٔ 17 ملاحظه شود.
- 11- کتاب «آثار عتیقه کوتل خیر خانه» تالیف موسیو «جوزف هاکن» و «ژان کرل» صفحه 12 شکل C ملاحظه شود.
- 12- کتاب «صنعت گریکوبودیک گندهارا» جلد اول صفحه 525 – 528 شکل 258 تالیف موسیو فوشه ملاحظه شود.
- 13- کتاب «صنعت قدیم ایرانی ها» لوحه 111 تالیف پروفیسور «سار» ملاحظه شود./